

رژیم وابسته به امپریالیسم و سرکوبگر جمهوری اسلامی باید به دستان کارگران و توده های تحت ستم و در جریان یک انقلاب اجتماعی سرنگون گردد و نه با مساعدات مالی و انقلاب های "مخملین" امپریالیستی. تنها در چنین صورتی امکان رهایی توده های در بند و نیل به آزادی و دموکراسی واقعی در کشور ما مهیا خواهد گشت.

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران ، شماره ۵۰ - ۱۵ دی ۱۳۸۵

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی هر چه فعالیت از گذشته به تبلیغ بر علیه مارکسیسم و دانشجویان مبارز و بویژه دانشجویان چپ و رادیکال پرداخته اند. در همین رابطه اخیرا محمد توسلی، رئیس دفتر سیاسی "نهضت آزادی" در جلسه ای که در تاریخ ۶ دی ماه در "مرکز مطالعات استراتژیک جنبش دانشجویی" برگزار شد، ضمن حمله به دانشجویان چپ و رادیکال ، نسبت به روند "مارکسیست" اعلام کردن انجمنهای اسلامی در دانشگاه ها اظهار نگرانی کرد و از آن بعنوان یک "چالش جدی" نام برد. محمد توسلی با اشاره به چگونگی روند گرایش به سوی کسب هویت "مارکسیستی" در جنبش دانشجویی گفت که این جنبش در دوره خاتمی" با اتخاذ یک رویکرد افراطی از مسیر تاریخی خود خارج شد و هزینه سنگینی را برای جنبش دانشجویی و جامعه به پار آورد... و شعارهایی مثل عبور از خاتمی و قانون اساسی، ضربات سختی به جنبش دانشجویی بعد از دوم خرداد وارد کرد و این جنبش زیر فشار دچار بی هویتی شد" و " برخی انجمنهای اسلامی به تدریج اعلام کردند که مارکسیست هستیم...".

(ادامه در صفحه ۲)

"مارکسیست" شدن جنبش دانشجویی. یک "چالش جدی" برای نظام

رشد اندیشه های مارکسیستی و گرایش به مارکسیسم در میان جوانان و بویژه دانشجویان در سالهای اخیر و روند فزاینده روی جوانان به شیوه های رادیکال و انقلابی در مبارزه بر علیه مناسبات ضد خلقی موجود، خشم و ترس تمامی مرتجعین و طرفداران حفظ نظام استثمارگرانه حاکم را برانگیخته است. تاجایی که تمامی افراد و جریاناتی که منافع طبقاتی آنان با رژیم و نظام ضد خلقی حاکم بر جامعه تحت سلطه ما گره خورده با مشاهده گسترش افکار رادیکال مبارزاتی و اندیشه های انقلابی مارکسیست - لنینیستی در میان جوانان و دانشجویان به دست و پا افتاده و در پیوند با

دولت آمریکا و طرح های ضد انقلابی بر علیه مردم ایران

تدارکات آشکار نظامی در مرز با ایران، دولت آمریکا به اقدامات دیگری نیز جهت پیشبرد سیاستهای خود مبادرت نموده است؛ به گزارش روزنامه "باستون گلوب" مورخ ۲ ژانویه کنگره آمریکا در صدد است تا در سال آتی بودجه مربوط به پروژه "پیشبرد دموکراسی در ایران" را نیز دوبرابر کرده و به این ترتیب در چارچوب این پروژه (که علیرغم نامش دارای ماهیت ضد انقلابی است) بر ابعاد حمایت خود از آن دسته از مخالفین جمهوری اسلامی که متعهد به پذیرفتن سیاستهای دولت آمریکا و "فعالیت های غیر خشونت آمیز" می گردند، بیفزاید. و جهت پیشبرد سیاست های خود در ایران افراد و گروه هایی را هرچه بیشتر و وسیعتر مورد حمایت مالی و معنوی قرار دهد.

(ادامه در صفحه ۳)

مستقیم به پیشبرد سایر پروژه های خود در مورد ایران نیز بطور یکجانه ادامه داده است.

اخباری که اخیرا از سوی سازمان موسوم به "گزارشگر صلح" در مرز ایران عراق منتشر شده حاکی از آن است که مقامات دولت آمریکا با صرف هزینه ای گزاف مشغول جاده کشتی و ساختن ۵۲ پایگاه نظامی برای ارتش آمریکا در مرز با ایران می باشند. به گزارش سازمان "گزارشگر صلح" این پایگاه ها توسط یک جاده که در دل مناطق صعب العبور مرزی از سلیمانیه تا پنجوین در حال ساخته شدن است، به یکدیگر وصل خواهند شد. هزینه این طرح را شرکتهای آمریکایی تامین نموده و امر ساختن آنها به شرکتهای فعال در کردستان عراق سپرده شده است. بموازات این

دولت آمریکا بر ابعاد تلاشهای خود در راستای پیشبرد سیاستهای جهانخواهانه اش در منطقه خاور میانه با هدف توسعه سلطه نظامی، اقتصادی و سیاسی امپریالیسم آمریکا در رقابت با سایر قدرتهای جهانخواه، افزوده است. در این راستا مقامات آمریکایی از چند جهت متفاوت بطور مستقیم و غیر مستقیم مشغول گسترش سرمایه گذاری و صرف نیرو در رابطه با طرحهای ضد انقلابی آتی خویش بر علیه مردم ایران میباشند. دولت بوش در عین حال که پس از ماه ها مذاکره و بده بستان با سایر قدرتهای امپریالیستی رقیب خویش حول مساله "پرونده اتمی جمهوری اسلامی" سرانجام موفق به تصویب قطعنامه ای بر علیه رژیم جمهوری اسلامی در شورای امنیت سازمان ملل شد، از کانالهای مستقیم و غیر

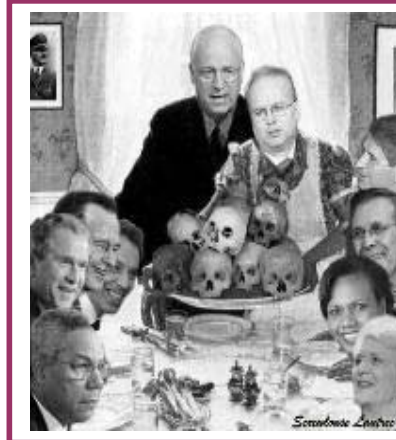


۵۰۰۰۰ کشته و زخمی. تعداد واقعی تلفات آمریکا در عراق

آماري که اخيرا راجع به تعداد واقعي تلفات و آسيبهاي انساني وارد بر ارتش اشغالگر آمريکا در جنگ عراق انتشار يافته، گوشه اي از خسارات و مصيبت هايي که اين جنگ تجاوزکارانه و ضد خلقي علاوه بر مردم محروم و رنجديده عراق متوجه مردم آمريکا نموده را به نمايش مي گذارد.

مطابق آمار برگرفته شده از سايتهاي رسمي دولت آمريکا، اخير فاش شده است که تعداد واقعي تلفات (کشته ها و زخمی ها) نيروهاي ارتش آمريکا در عراق بيش از ۵۰۰۰۰ نفر مي باشد. اين رقم علاوه بر کساني که مستقيما در صحنه درگيريها کشته شده اند، در بر گيرنده تمامي تلفاتي ست که در جريان کارهاي تدارکاتي، سوانح و نقصهاي فني، آتش نيروهاي خودي، زخمی شدن نيروها و از کار افتادن آنها، به نيروهاي جنگي آمريکا وارد شده است. برغم تمامي تلاشهاي گردانندگان دولت آمريکا براي پنهان نمودن رقم واقعي خسارهاي جاني وارد بر ارتش آمريکا از افکار عمومي و محدود ساختن آن به ۳۰۰۰ نفر، آماري که از سايتهاي مختلف پنتاگون جمع

آوری شده نشان می دهد که تا تاريخ ۲۷ دسامبر سال ۲۰۰۶ ، تلفات نيروهاي اشغالگر به ۵۰۳۷۱ نفر بالغ گشته است.



از اين تعداد مطابق اعتراف خود مقامات پنتاگون، تا تاريخ فوق ۲۴۰۰ تن از نيروهاي اشغالگر کشته و ۲۲۵۶۵ نفر از آنان زخمی گشته اند. اضافه بر اين رقم، ۵۸۳ تن از پرسنل نظامي در اثر سوانح خارج از ميدان نبرد نظير حوادث رانندگي، بيماري، خودکشي براي فرار از ارتش و... کشته شده اند که اين رقم در بر گيرنده ۱۴۷ تن از مزدوران کنتراتي ارتش آمريکا نيز مي باشد که جان خود را در عراق از دست داده اند. جدا از اين ارقام ، تعداد ۲۴۸۲۳ تن ديگر از نيروهاي اشغالگر در اثر ابتلا به بيماري و يا جراحت التيام ناپذير در طول اين مدت در عراق، توسط خود مقامات

ارتش بدلايل پزشکي از خدمت مرخص شده اند. شايدان ذکر است که در آمار فوق اشاره اي به تعداد فزاينده سربازان فراري از خدمت در ارتش آمريکا که هم اکنون يا در اين کشور به صورت مخفي زندگي مي کنند و يا به صورت پناهنده در کشورهايي نظير کانادا به سر مي برند نشده است.

همانگونه که همگان مي دانند در ماه هاي اخير برملا شد که تعداد قربانيان غير نظامي اي که در جريان ۳ سال اشغال عراق توسط ارتش جنايتکار آمريکا و متحدينش در اين کشور به خاک و خون در غلطيدنه اند به بيش از ۶۵۰۰۰۰ نفر رسيده است و اين در شرايطي است که دولت دست نشانده عراق بدليل رشد روز افزون خشم و نفرت توده هاي تحت ستم عراق و انعکاس اين امر در افکار عمومي در سطح بين المللي، به بيمارستانهاي اين کشور دستور داده که از ثبت تعداد واقعي قربانيان فجايع روزمره ارتش عراق و دارو دسته هاي مزدور و تروريست در عراق خود داري ورزند.

آمار فوق بخش بسيار کوچکی از نتايج جنايات دولت آمريکا در اشغال عراق و جنگ خونيني ست که اين دولت براي گسترش غارت و استثمار خلقهاي تحت ستم و جهت توسعه فرمانروايي طالمانه خود بر عليه مردم محروم منطقه و بر عليه منافع مردم آمريکا سازمان داده است.

"مارکسيست" شدن جنبش دانشجویی ...

ادامه از صفحه ۱

رئيس دفتر سياسي نهضت آزادي ضمن نقد "شعارهاي راديکال" داده شده در جنبش اخير دانشجوئي از سوي دانشجويان مبارز همراه با ارائه پيشنهادي مطرح نمود که **"جنبش دانشجوئي بايد در حد سقف تحمل حاکميت برنامه ريزي و حرکت کند"**

اظهارات رئيس دفتر سياسي نهضت آزادي در حمله به دانشجويان مبارزي که خود را "مارکسيست" مي خوانند و مضموم شناختن گرايش طبيعي موجود در جنبش دانشجوئي به سوي شعارها و شيوه هاي انقلابي مبارزاتي، در حالي صورت مي گيرد که مبارزات آزادي خواهانه دانشجويان در سالهاي اخير با وجود تمام محدوديتها به سوي طرح شعارهاي چپ و مارکسيستي جريان يافته است، تا جائي که ما در ۱۶ آذر امسال شاهد به اهتزاز در آمدن شعار "سوسياليزم يا بربريت" و شعارهاي ديگري در اين مضمون در دست دانشجويان مبارز بوديم. در عين حال اين مبارزات در شرايطي صورت مي گيرد که رژيم جمهوري اسلامي همانطور که طی ۲۷ سال اخير نشان داده است در مقابل خواستههاي

دمکراتيک توده ها اصولا "تحملی" ندارد که بتوان برای آن "سقف" معين نمود. در واقع آقای توسلی در شرايطي دانشجويان انقلابی ورادیکال و هوادار "مارکسيسم" را مورد حمله قرار داده است که جمهوري اسلامي حتی "تحمل" فعاليت قانوني جريانات شناخته شده و بي خاصيتي نظير "نهضت آزادي" آقای توسلی که هميشه با صداقت تمام در خدمتگزاري برای نظام و طبقه حاکم و طولاني تر کردن عمر جلادان حاکم کوشيده اند را نيز ندارد. با توجه به اين واقعيات مي باشد که نتيجه عملي نسخه هاي رهبران "نهضت آزادي" برای دانشجويان مبارز، يعني "برنامه ريزي" و حرکت "در حد سقف تحمل حاکميت"، چيزي جز اين نيست که دانشجويان اصولا بهتر است فکر مبارزه برای تغيير وضع جهنمي موجود را از سر خود دور سازند. گوئي با درک مضمون واقعي چنان سخنانی است که دانشجويان مبارز و آگاه برخلاف تشبيحات تمامي جريانات مرتجعني نظير "نهضت آزادي" در جريان پیکار حق طلبانه خویش، هر روز بيشتر از قبل به شعار هاي راديکالتر و شيوه هاي کارآمدتر مبارزاتي روی آورده و در اين مسير نيز بطور طبيعي به مارکسيسم و ايده هاي انقلابي آن متمایل می گردند. امري که موجب پريشاني خاطر تمامي مدافعان رنگارنگ نظام استثمارگرانه حاکم را فراهم کرده و آنها را به دست و پا انداخته است. ■



دولت آمریکا و طرح

های ضد انقلابی ...

ادامه از صفحه ۱

در ماه های اخیر، اعلام و تبلیغ این سیاستها توسط امپریالیسم آمریکا و ایادی آن باعث ایجاد تحركات هر چه بیشتر در میان مرتجعین و گروه های ضد انقلابی و حتی برخی افراد و جریانات سازشکار و مدعی دفاع از توده های تحت ستم ایران شده است که با فراموش کردن ماهیت ضد خلقی امپریالیسم آمریکا به استتار شرایط دریافت این کمکهای مالی امپریالیستی نیز می پردازند. آنها جهت برخورداری از مساعدات مالی مزبور و سقوط به دامن دشمنان کارگران و خلقهای تحت ستم ایران با یکدیگر به مسابقه برخاسته و در حقیقت می کوشند تا خود را به دشمنان مردم ایران و جهان بفروشند.

امروز در شرایطی که مبارزات قهرمانانه کارگران ، دانشجویان، زنان، خلقها و سایر بخش های تحت ستم جامعه ما با اهداف انقلابی برعلیه

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری وابسته در اشکال و سطوح گوناگون پیش می رود، کاملاً قابل فهم است که امپریالیست ها جهت نفوذ در این جنبش ها به افراد و نیروهای سیاسی مختلف روی آورند. در این چهار چوب است که افراد و جریانات فوق می کوشند تا با برخورداری از حمایت های مادی و معنوی امپریالیستها، ضمن نفوذ در صفوف جنبش انقلابی کارگران، زنان و دانشجویان و خلقهای تحت ستم ایران آنها را در راستای برنامه های ضد انقلابی دشمنان مردم به انحراف بکشند و در پیمودن چنین مسیری است که ما می بینیم این جریانات هر روز بیش از قبل از پوششهای تبلیغاتی و معنوی وسیع دستگاه های خبری وابسته به دشمنان مردم ایران نیز برخوردار گشته اند.

بدون شک این مساله که تدارکات، برنامه ریزیها و اقدامات نظامی و سیاسی امپریالیسم آمریکا در شرایط کنونی در رابطه با ایران، نهایتاً به پیشبرد چه راه حلی از سوی دشمنان خلق در مورد ایران ختم گردد، امری است که هرچه بیشتر در پروسه تکوین

رویدادها خود را نشان خواهد داد. اما آنچه که در این شرایط برای نیروهای واقعا انقلابی و مدافع منافع کارگران و توده های زحمتکش و محروم از اهمیت حیاتی برخوردار است، بالا بردن هشیاری خود در رابطه سیاستهای امپریالیستها در این مورد در ایران و افشای همه جانبه و مقابله با آن سیاست ها در هر شکل و شمابلی و تاکید بر این حقیقت است که مداخلات ضد انقلابی امپریالیستها در هر شکل آن، چه سیاسی و چه نظامی هیچگاه با هدف آزادی توده های تحت ستم ما و تحقق خواستهای برحق آنان صورت نمی گیرد. رژیم وابسته به امپریالیسم و سرکوبگر جمهوری اسلامی باید به دستان کارگران و توده های تحت ستم و در جریان یک انقلاب اجتماعی سرنگون گردد و نه با مساعدات مالی و انقلابهای "مخملین" امپریالیستی. تنها در چنین صورتی امکان رهایی توده های دریند ونیل به آزادی و دمکراسی واقعی در کشور ما مهیا خواهد گشت. ■

تشدید اعدام ها در ایران

دستگاه سرکوب و کشتار رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۹ دسامبر ۳ تن دیگر را در شهر اهواز زیر نام "محاربه و اقدام علیه امنیت کشور" به چوبه دار سپرد. جرم این قربانیان بمب گذاری در بانک سامان و فرمانداری اهواز اعلام شده است. با اعدام این عده شمار کسانی که در جریان موج اخیر سرکوب وحشیانه خلق عرب توسط جمهوری اسلامی اعدام شده اند به ۵ نفر رسیده است. این اعدامهای وحشیانه که هدف اصلی آن پراکندن جو رعب و وحشت و اختناق در جامعه و بویژه در میان مردم مبارز خلق عرب است در شرایطی صورت می پذیرد که برخی از کارگزاران خود نظام ضد خلقی جمهوری اسلامی در نامه هایی خطاب به مقامات دولت تصریح کرده اند که مطابق "شواهد قابل اعتماد" برخی از این قربانیان "هیچ ارتباطی" با انفجارهای صورت گرفته نداشته اند.

در هفته های اخیر مقامات رژیم حکم اعدام ۳ متهم دیگر را به جرم "محاربه و اقدام علیه امنیت ملی" در ماهشهر صادر کرده اند. ۲ ماه پیش نیز دستگاه قضایی ضد خلقی جمهوری اسلامی حکم اعدام ۱۰ تن از مردم محروم خوزستان را به جرم مشابه صادر کرد و خشم افکار عمومی داخلی و خارجی را نسبت به این عمل ضد مردمی خود برانگیخت. ■

آمریکا و غارت منابع انرژی عراق

وزیر نفت دولت دست نشانده عراق اعلام کرد که از آغاز سال جاری ، توسعه ده ها میدان نفتی عراق به "شرکتهای خارجی" واگذار خواهد گشت. در طرح اعلام شده توسط وزیر نفت عراق قرار است امر توسعه و بهره برداری از ۶۰ میدان نفتی از مجموع ۸۰ میدان نفتی شناخته شده در عراق به شرکتهای خارجی واگذار گردد و بنا به ارزیابی کارشناسان، شرکتهای آمریکایی بزرگترین طرف ذی نفع در این معاملات - بخوان غارت نفت عراق- خواهند بود. لازم به ذکر است که به محض اشغال نظامی عراق در سال ۲۰۰۳ توسط ارتش آمریکا و متحدانش که با مخالفت سایر قدرتهای امپریالیستی از جمله فرانسه و روسیه و چین روبرو شد، مقامات آمریکایی کلیه قراردادهای نفتی و اقتصادی و تجاری بزرگ دولت صدام حسین با شرکتهای دولتهای فرانسه و روسیه و چین را فاقد اعتبار اعلام کردند و بعنوان نمونه قرارداد نفتی بزرگ عراق با شرکت توتال فرانسه لغو شد. بر همگان روشن است که از ابتدای اشغال عراق مقادیر قابل توجهی از نفت این کشور از طریق بندر بصره و زیر نظارت دولت آمریکا و متحدینش به کام شرکتهای نفتی آمریکایی- انگلیسی ریخته شده و امپریالیسم آمریکا در صدد است تا با توسعه میادین نفتی عراق، کشوری که دارای سومین ذخایر بزرگ نفتی جهان است ، امر انحصار خود بر منابع انرژی این کشور را هر چه بیشتر و وسیعتر عملی سازند. ■



افزایش واردات و تشدید فقر و فلاکت توده ها

سیاستهای خانه خراب کن اقتصادی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در افزایش بی رویه واردات کالاهای امپریالیستی و نابود کردن کار و معاش میلیونها تن از کارگران، دهقانان و توده های زحمتکش هر روز بیشتر از پیش اقتصاد انگلی حاکم بر جامعه ما را بسوی وابستگی بیشتر و در نتیجه نابودی و ورشکستگی فزاینده حیات و معاش توده های محروم به پیش می برد. در همین رابطه واحد اطلاعاتی نشریه اکونومیست در گزارش ماه دسامبر ۲۰۰۶ خود اعلام کرده است که در صورت تداوم روند فعلی (یعنی پیشبرد سیاستهای اقتصادی ای که توسط دولت مردان جمهوری اسلامی تنظیم شده) تا سال ۱۳۹۰ واردات کالاهای خارجی ۱۲ میلیارد دلار دیگر افزایش یافته و با کاهش صادرات، مازاد تجاری ایران تحت حاکمیت سردمداران جمهوری اسلامی به ۲۶ میلیارد دلار خواهد رسید. مطابق این گزارش میزان واردات رژیم در سال ۸۵ با افزایش ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلاری به رقم بی سابقه ۴۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار می رسد. با توجه به این واقعیت که بخش اعظم این واردات با توجه به وابستگی اقتصادی ایران صرفا به واردات کالاهای مصرفی و بنجل و غیر مولد از کشور های امپریالیستی اختصاص می یابد، و با توجه به تاثیر ورود این کالاها در افزایش روند ورشکستگی و ویرانی کسب و کار میلیونها تن از زحمتکشان و تولید کنندگان خرد، روشن است که پیشبرد این سیاست ضد مردمی چه نوع عواقب و تاثیرات مخرب کوتاه و بلند مدتی بر اقتصاد وابسته جامعه و بر زندگی اقشار تحتانی خواهد گذارد. امری که به نوبه خود جلوه ای از ماهیت وابسته و ضد خلقی رژیم و نظام حاکم را به نمایش می گذارد. از سوی دیگر یکی دیگر از نتایج بلاواسطه این روند در غلطیدن هر چه بیشتر نظام فاسد حاکم به اخذ قرضهای خانه خراب کن خارجی از دولتها و موسسات امپریالیستی خواهد بود که در سالهای اخیر به تشدید فقر و فلاکت و بیکاری و گرسنگی میلیونها تن از توده های کارگر و زحمتکشی منجر شده که

حتی در شرایط فعلی کمر آنها در زیر فشار ناشی از اوضاع اقتصادی فاجعه بار کنونی خم گشته است. تحت چنین اوضاع فاجعه باری ست که ما می بینیم چگونه در طول حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و سیاستهای این رژیم در حالیکه جیب دولتهای امپریالیستی و سرمایه داران زانو صفت وابسته و ایادی آنها در کشور ما هر روز بیشتر از قبل از بابت غارت و چپاول ثروتها ملی و نیروی کار کارگران و توده های محروم پر می گردد در همان حال بیش از نیمی از آحاد جامعه ما در "زیر خط فقر" و "خط بقا" و "خط فنا" زندگی می کنند و میلیونها تن از توده ها در منجلاب فقر و بدبختی و بیکاری و فحشاء و اعتیاد و ... به سر می برند. ■

یک خانواده پناهجوی کرد در خطر دپورت به ایران

مقامات پناهندگی دولت سوئیس در چارچوب تشدید سیاستهای پناهنده ستیزانه خویش، در حال بازگرداندن یک خانواده کرد پناهجو به ایران هستند. مقامات اداره پناهندگان سوئیس به خالد امیری و خانواده اش که مدت ۳ سال است در سوئیس اقامت داشته و منتظر جواب درخواست پناهندگی سیاسی از دولت این کشور می باشند، دستور داده اند که باید تا تاریخ ۷ فوریه خاک این کشور را ترک کنند. و این در حالی ست که در صورت بازگشت به ایران، خالد امیری بدلیل شرکت در فعالیتهای سیاسی بر علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در خطر تعقیب و پیگرد از سوی دستگاه سرکوب رژیم قرار خواهد گرفت. مقامات اداره مهاجرت سوئیس در شرایطی به درخواست خالد امیری و خانواده اش برای ماندن در این کشور جواب منفی داده اند که وی شواهد متعددی را دال بر فعالیتهای سیاسی و در خطر بودن جان خویش به مسئولین این اداره ارائه کرده است. وی با انتشار نامه ای از تمام مدافعین حقوق بشر و حقوق پناهندگان خواسته است تا با ارسال نامه های اعتراضی به مقامات اداره مهاجرت سوئیس، از دپورت او و خانواده اش به ایران جلوگیری کنند. ■

به هلاکت رسیدن فرمانده نیروی انتظامی در ایران شهر

روز چهارشنبه ۱۳ دی ماه کارگزاران رژیم جمهوری اسلامی خبر به هلاکت رسیدن فرمانده نیروهای انتظامی رژیم در ایران شهر را اعلام کردند. مطابق این خبر سرهنگ غلامحسین جعفری فرمانده نیروهای سرکوبگر انتظامی رژیم در ایران شهر در جریان یک درگیری مسلحانه با افرادی که رژیم از آنها به عنوان "اشرار" اسم برده است در منطقه "آذرآباد" کشته شد. در ماه های اخیر بر ابعاد برخوردهای مسلحانه بین نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و جریانات مسلح فعال در منطقه سیستان و بلوچستان بشدت افزوده شده است. ■

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehqhani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق

ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق

ایران

0044 - 7946494034

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

